

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

استاد پیدہ حسن خمینی

موضوع: تمایز علوم

جلسہ:

۱۶

تاریخ:

۱۹/۷/۲۵

نظریات پیرامون «تمایز علوم»

۱. تمایز علوم به «تمایز موضوعات»

احتیاج دارد

قائل : آخوند خراسانی (ره)

احتیاج ندارد

قائل : حضرت امام (ره)

نظریه تفصیل

مرحوم بجنوردی

سه نظریه

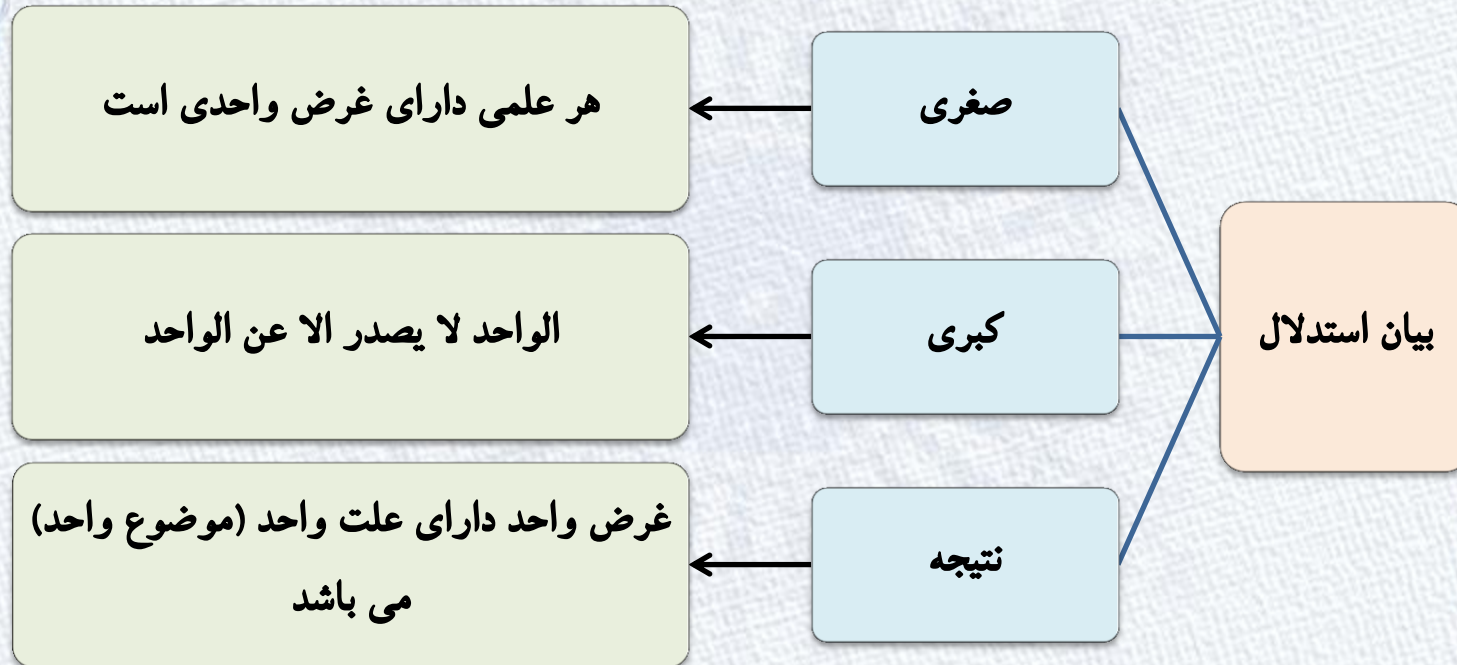
وجود دارد:

مقدمه :

آیا علوم احتیاج به
موضوع دارند؟

بررسی دلایل احتیاج علوم به موضوع

بررسی دلایل احتیاج علوم به موضوع
دلیل اول:



معلول : واحد عددی

علت : معنای بسیط

الف ← الواحد لا یصدر منه الا الواحد

علت و معلول : واحد عددی

ب ← الواحد لا یصدر الا من الواحد

قاعده الواحد :
تشکیل شده از
دو قضیه

۲. یک معلول نمی تواند دو علت تامه داشته باشد

۱. معلول واحد حقیقی، دارای علتی است که واحد حقیقی است
(معلول واحد عددی، نمی تواند علتی داشته باشد که مرکب اعتباری است.)

ان قلت :

چرا جامع، محمول یا نسبت نباشد؟

قلنا :

موضوع از محمول و نسبت اشرف می باشد

علت اشرفیت موضوع بر محمول :

محمول عارض و موضوع معروض است

و معروض بر عارض تقدم رتبی دارد

علت اشرفیت موضوع بر نسبت :

نسبت ها، معانی حرفی و بدون

استقلال هستند

اشکال اول : (مرحوم بجنوردی)

تصویر جامع بین موضوعات کافی نیست بلکه به وجود جامعی
بین محمولات نیز نیاز است

اشکال دوم:

نتیجه کلام مستدل = جامع بین موضوعات، موثر در غرض

دو اشکال:

۱. جامع ، قطعاً موثر در غرض نیست. مثلاً کلمه و کلام علت

برای صون اللسان نیست.

۲. خود مسائل علوم به تنهایی موثر در غرض نیستند که باید

مقید به رعایت آنها در مقام عمل شوند

اشکال سوم:

قوام جمله اسمیه : به «نسبت» است

مفهوم «زید عالم» = انی أخبرک بعالمیه زید

موضوعات ارتباطی به غرض ندارند

نسبت بین موضوع و محمول، دخیل در غرض است

اشکال چهارم:

گفته شد :

«به جهت شرافت، موضوع را بر محمول و نسبت ترجیح دادیم»

اشکال :

چه کسی گفته ملاک جامع، شرافت است؟

اشکال پنجم:

اشکال صفروی :

هر علمی باید غرض واحدی داشته باشد بدون دلیل است.

اشکال ششم:

ردّ استدلال به قاعده الواحد:

قاعده الواحد در واحد شخصی جاری است
در حالی که مدعای مستدل، در واحد نوعی است

نکته: این جواب بر مبنای امام (واحد سنخی) کامل است
ولی بر مبنای ما (واحد شخصی) کامل نیست

اللهم الا ان يقال: غرض از علوم، واحد شخصی است ولی معلول وجود خارجی قضایا نیست
بلکه معلول «عمل نفس و علم به قضایا» می باشد

اضف الی ذلک: ذات قضایا (اگر غرض را ناشی از آن بدانیم) مُعدّ هستند نه علت؛ و قاعده
الواحد در مورد معطی الوجود است

دلیل دوم:

تمایز علوم به موضوعات است

و این زمانی است که علوم، موضوع داشته باشند

بررسی دلیل دوم :

اشکال اول:

تمایز علوم به موضوعات، امر مسلمی نیست

اشکال دوم:

مسأله «تمایز علوم به تمایز موضوعات» ثمره بحث «اصل احتیاج به موضوع» می باشد.
در صورت رد شدن، ثمره اش نیز رد میشود.

دلیل سوم:

معیار وحدت علوم، موضوع است
و اگر موضوع نباشد، علمی تحقق پیدا نمی کند

اشکال دلیل سوم:

مصادره به مطلوب است

دلیل چهارم :

احتیاج به علوم، امری ارتکازی و وجدانی است

اشکال دلیل چهارم:

حضرت امام (ره): بالوجدان موضوع نمی خواهد